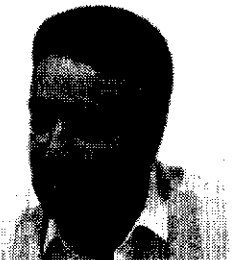


اگر نهادهای دموکراتیک از قبیل پارلمان، احزاب، مطبوعات، اتحادیه، سندیکا، NGO ها و... در جامعه‌ای نهادینه نشود، دموکراسی در آن استقرار نمی‌یابد. از سوی دیگر، شهروند مشارکت‌جو و مسئولیت‌پذیر (دموکرات) تنها با تشکیل یا عضویت در نهادهای مدنی است که می‌تواند حقوق خویش را استیفا کند، استعدادهای خود را شکوفا سازد، مسئولیت‌های مدنی خود را به انجام رساند و قدرت را پاسخگو کند. در چنین مسیری، دانشگاه می‌تواند و باید به عنوان یکی از نیرومندترین نهادهای مدنی، نقش تاریخی خود را در دموکراتیزه کردن مناسبات سیاسی و اجتماعی در ایران و پرسشگر، دموکرات و مسئول کردن ایرانیان ایفا کند. از نهاد دانشگاه که بالقوه گفتمان‌ساز است و فضای عمومی و گفت‌وگویی آن قدرت و تأثیری فراتر از آثار جمع‌جبری کارکنان و دانشجویان و استادان در یک لحظه مشخص تاریخی دارد، انتظار می‌رود در استقرار دموکراسی در میهن، مسئولیت‌پذیری بپذیرد. بر این اساس لازم است سه رکن دانشگاه، بویژه جریان‌ها و تشکلهای دانشجویی به تامل درباره نقش و رسالت تاریخی خود و مطالباتی که فراتر از یک لحظه خاص از حاکمیت سیاسی وجود دارد، بپردازند و طرحی ارائه کنند که در عین سیال بودن و گشودگی به روی تحولات زمانه، به تامین آزادی و حقوق برابر شهروندان، شکوفایی استعدادها و مهار خودسری حاکمان و مسئولیت‌ناپذیری قشرهایی از هموطنان کمک کند.

در نشست سالانه اعضای دفتر تحکیم وحدت (طیف علامه طباطبایی) در آبان ماه امسال، تدوین دو دسته مطالبات را پیشنهاد دادم و گفتیم از دانشگاهیان انتظار می‌رود تصور خود را از وضعیت مطلوب نهاد دانشگاه به صورت یک مانیفست تدوین و منتشر کنند، فارغ از این‌که جناح حاکم با آن موافق باشد یا مخالف و حتی قوانین موجود با آن سازگار باشند یا خیر؟ سپس توضیح دادم اگر چنین منشوری با بحث و بررسی همه‌جانبه و آزاد دانشگاهیان و صاحب‌نظران تهیه شود، می‌توان امیدوار بود به گفتمان غالب دانشگاهیان کشور تبدیل شود. در آن صورت همه اشخاص، احزاب و گروه‌های سیاسی ناگزیر خواهند شد دیدگاه خود را درباره مانیفست مذکور روشن کنند و به احتمال بسیار زیاد، بخش قابل توجهی از اصول آن را خواهند پذیرفت. چنین طرحی یک گام بزرگ به سوی استقرار دموکراسی در ایران تلقی می‌شود، به شرطی که به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. استقلال دانشگاه و استقلال آکادمیک به چه معناست و دستیابی و حفظ آن چگونه ممکن است؟ هیات امانا و روسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها چگونه باید انتخاب یا منصوب شوند؟ ارکان حکومت بویژه قوه مجریه و نیز سه رکن دانشگاه (اعضای هیات‌های علمی، دانشجویان و کارکنان دانشگاه) در این زمینه چه نقش و مسئولیتی به عهده دارند؟ مناسبات مطلوب میان ارکان حکومتی و دانشگاه چگونه باید باشد؟
۲. نقش استادان و دانشجویان در نظام آموزشی و پژوهشی هر دانشگاه چیست؟ آیا لازم است دانشگاه‌ها حتی در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی از نظام آموزشی واحدی پیروی کنند و دروس یکسانی ارائه دهند یا تدوین برنامه و دروس و نیز گرایش‌های متفاوت در هر دانشگاه به سود گسترش علم و پژوهش و مدیریت کشور است؟
۳. مسئولیت و ضوابط پذیرش استادان با دانشگاه است یا لازم است این امر به صورت متمرکز و توسط وزارتین علوم و بهداشت و درمان انجام پذیرد؟ بازنشسته کردن استادان تابع چه ضوابطی است و دولت و ارکان دانشگاه در این زمینه چه نقشی دارند؟
۴. ضوابط پذیرش دانشجو و نحوه گسترش دانشگاه چیست؟ مرجع تعیین سازوکار تبعیض مثبت یا منفی جنسیتی، بومی‌گزینی، سهمیه‌بندی و... چه نهادی است؟ چگونه می‌توان حق تحصیل آزاد هر ایرانی را فارغ از دین، مذهب، گرایش سیاسی و... تامین کرد؟



دموکراسی از پایین
در ضرورت تدوین منشور مطالبات صنفی و ملی
سید مصطفی تاجزاده

۵. معیارهای برقراری رابطه مناسب دانشگاه‌ها با یکدیگر و نیز با دانشگاه‌ها و مجامع علمی و پژوهشی بین‌المللی کدام است؟

۶. خصوصی‌سازی و آزادسازی دانشگاهی طبق چه ضوابطی مجاز و به سود مردم و میهن است؟

۷. حق تشکلی دانشگاهی دانشجویان چگونه باید استیفا شود و ضابطه ایجاد تشکلهای دانشجویی و حقوق و وظایف اعضای آن چیست؟ دانشجویان طبق چه ضوابطی مجازند به صورت قانونی و علنی از امکانات دانشگاه استفاده کنند؟ آیا علاوه بر تشکلهای سیاسی، صنفی، هنری، ادبی و... دانشجویی، تاسیس پارلمان دانشجویی در هر دانشگاه لازم است؟ آیا فقط تشکلهای اسلامی باید حق فعالیت سیاسی و اجتماعی در دانشگاه را داشته باشند یا هر تعداد دانشجویان با هر گرایش، به شرط متعهد شدن به فعالیت در چارچوب مقررات، از حق ایجاد تشکل برخوردارند؟ تشکیل اتحادیه‌های دانشجویی سراسری چه حکمی دارد؟

۸. آیا ایجاد تشکلهای قومی دانشجویی مجاز است؟ چه مدلی متکثر در وحدت است؟ دانشجویان از حقوق فرهنگی خود بهره‌مند شوند و در عین حال وحدت و انسجام ملی روز به روز تقویت شود؟ آیا تاسیس رشته‌های زبان‌شناسی در دانشگاه‌ها در استان‌هایی که قوم خاصی (مثلاً ترک‌ها) اکثریت دارند آزاد است؟ دانشگاه چگونه می‌تواند با حفظ و تقویت وحدت دموکراتیکه تکثر و تنوع فرهنگی و قومیتی و... دانشگاهیان را به نمایش بگذارد؟

۹. رابطه صحیح احزاب با دانشگاه‌ها کدام است؟ آیا احزاب می‌توانند مراکز یا دفاتری را در دانشگاه تاسیس کنند (جداگانه یا به صورت واحد توسط خانه احزاب)؟ آیا احزاب مجاز به بهره‌برداری از امکانات دانشگاه برای تبیین دیدگاه‌ها و ترویج مواضع خود هستند؟ آیا عضویت دانشجویان در احزاب مغایر عضویت آنان در تشکلهای صنفی، علمی، پژوهشی و... است؟

۱۰. آیا برخی نهادهای نظامی مجاز به تاسیس دفاتر یا شعب در دانشگاه‌ها هستند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، شرح وظایف آن دفاتر چیست و چگونه می‌توان مانع سوءاستفاده یک جریان خاص سیاسی از آن‌ها شد؟ سازوکار جلوگیری از حاکمیت نگرش امنیتی و گرایش‌های نظامی و پادگان شدن دانشگاه‌ها چیست؟

۱۱. دانشجویان در اداره خوابگاه، سلف سرویس و امور فوق برنامه چه اختیارات و مسئولیت‌هایی

باید بپذیرند؟

با توجه به موارد فوق، توضیح دادم که دفتر تحکیم وحدت می‌تواند سوالات و موضوعات مذکور را به بحث آزاد بگذارد تا به جمع‌بندی مناسبی برسد. اگر مسائل فوق با مشارکت همه ارکان دانشگاه با هر سلیقه‌ای مورد بحث قرار گیرد و از نظریات همه کارشناسان استفاده شود، دستیابی به یک پلان فرم همه‌جانبه بعید نخواهد بود. به همین دلیل پیشنهاد کردم برای تدوین منشور مذکور، به سراغ همه از جمله جامعه اسلامی دانشجویان، همچنین گروه‌ها و تشکلهای دگراندیش بروند و از نظریات و پیشنهادهای آنان در مورد این پرسش‌های زیربنایی بهره‌برند تا منشور فوق، حتی‌الامکان با جلب نظر و توافق همه نگرش‌ها تدوین شود. به باور من، دانشجویان مسلمان باید پرچمدار این حرکت باشند و از عدم مشارکت احتمالی برخی اشخاص یا گروه‌ها دلسرد نشوند، بویژه آن‌که اگر این عزیزان در مورد دانشگاه به یک مدل قابل قبول برسند هیچ حزب، نامزد یا جریان سیاسی نخواهد توانست به آن بی‌اعتنا بماند. افزون بر آن، چنانچه دانشجویان مستقل از گرایش‌های سیاسی خود، پیرامون یک سلسله مطالبات مشخص درباره جایگاه و نقش دانشگاه به عنوان یک نهاد مدنی و دموکراتیک به توافق برسند و انتظار خود را از آن روشن کنند، این اجماع می‌تواند مقدمه رسیدن به توافق بین‌الذنهانی جامعه باشد. به همین دلیل چنین اقدامی نباید به انتخابات ریاست جمهوری پیش رو منحصر شود، اگرچه هر نامزد یا حزبی متناسب با متعهد شدن درباره تحقق اجزای این الگو، از حمایت دانشگاهیان بهره‌مند خواهد شد. اما این منشور ظرفیتی به مراتب بیشتر از یک انتخابات دارد و ضمن آن که می‌تواند گام مهمی در استقرار دموکراسی از پایین محسوب شود، زاینده شعارهای راهبردی از قبیل دفاع از انتخابی شدن مدیریت دانشگاهی، حق تشکلی دانشجویان، حق تحصیل آزاد هر ایرانی، لزوم آزادی‌های علمی و آکادمیک و... باشد و مطالبات فوق را به خواست عمومی همه دانشگاهیان تبدیل کند. پیشنهاد دوم آن بود که انجمن‌های اسلامی دانشجویی بکشوند مانیفستی مشابه در زمینه مطالبات ملی تدوین کنند. در این مورد نیز باید به موضوعاتی مستقل از حاکمیت یک جناح، پرداخت که شایسته عنوان "مطالبات ملی" باشند. چند عنوان که می‌توان درباره آن‌ها آزادانه

بحث کرد و به اجماع رسید، از این قرار است:

۱. ضرورت تأمین آزادی عقیده و اندیشه برای همه ایرانیان؛

۲. اصل دفاع از آزادی بیان، قلم و مطبوعات؛

۳. لزوم تحزب در نظام سیاسی و حمایت از آزادی احزاب؛

۴. دفاع از انتخابات سالم، آزاد و عادلانه؛

۵. حمایت از حق ایجاد تشکلهای منسی (NGOها، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، سندیکاها و...)

۶. دفاع از حق شهروندان برای برپایی تجمعات اعتراضی مسالمت‌آمیز و مدنی؛

۷. ضرورت آزادی سبک زندگی در چارچوب قوانین؛

۸. حمایت از توسعه همه‌جانبه و پایدار؛

۹. دفاع از عدالت اجتماعی و ضرورت تأمین حداقل‌های زندگی شرافتمندانه که مترفع‌کننده نیازهای آموزشی، بهداشتی، مسکن، تأمین اجتماعی، تغذیه و پوشاک هر ایرانی باشد؛

۱۰. دفاع از عدالت سیاسی تا بین پایگاه اشخاص و احزاب سیاسی با میزان نفوذ و حضور آن‌ها در حکومت نسبت معقول و عادلانه‌ای برقرار شود. به عبارت روشن‌تر، همان‌طور که اگر ۸۵ درصد ثروت جامعه در اختیار ۱۵ درصد مردم قرار گیرد، آن نظام به لحاظ اقتصادی طبقاتی و ناعادلانه خوانده می‌شود، در بعد سیاسی نیز چنانچه ۱۵ درصد شهروندان ۱۰۰ درصد قدرت را در دست بگیرند، آن نظام از نظر سیاسی مبتنی بر کاست و ناعادلانه تلقی خواهد شد.

۱۱. دفاع از عدالت قضایی و نفی تبعیض و آپارتاید قضایی، با این هدف که وابستگان به ارکان حکومت واجد مصونیت مطلق نباشند و منتقدان با دادگاه‌های نمایشی و انواع فشارها روبرو نشوند.

۱۲. دفاع از عدالت آموزشی با این هدف که هر ایرانی قادر باشد به بالاترین سطوح آموزشی دست یابد و تفاوت‌های دینی، مذهبی، قومی، سیاسی، فرهنگی و... مانع تحصیل هیچ کس نشود.

۱۳. دفاع از عدالت جنسیتی و نفی قوانین نابرابر و تسهیل مشارکت زنان در عرصه‌های علمی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... و مقابله با شهروند درجه دوم بودن زنان.

۱۴. دفاع از عدالت قومی تا هر شهروند ایرانی اعم از ترک، کرده، بلوچ، ترکمن، عرب، لر، فارس و... بتواند در عین حفظ وحدت و یکپارچگی کشور از آداب و رسوم، زبان و سنن ویژه خود بهره‌مند شود.

۱۵. دفاع از عدالت نسلی و این‌که درصدی از

سرمایه‌های خداداد و بین نسلی این ملت، مانند نفت و گاز برای آیندگان سرمایه‌گذاری شود. ۱۶. ضرورت مبارزه علمی و همه‌جانبه با فقر، ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، ایدز، بیماری‌های گوناگون، حاشیه‌نشینی و...؛ ۱۷. مقابله با معیارهای دوگانه و دفاع از نگاه اخلاقی به عرصه سیاست و اجتماع تا قاعده طلایی اخلاق که طبق آن: آنچه هر فرد برای خود می‌پسندد، بر دیگران نیز روا دارد و آنچه بر خود نمی‌پسندد، برای دیگران نیز جایز نماند. همه جا حاکم شود؛ همچنان که در آن جلسه توضیح دادم، از دانشجویان انتظار نمی‌رود برای اداره کشور برنامه جامع و مانعی تهیه و پیشنهاد کنند. البته اگر دانشجویان در این زمینه طرح و ایده جالبی داشته باشند، از آن استقبال خواهد شد. ولی ارائه برنامه همه‌جانبه برای اداره کشور، علی‌الاصول از کارویژه‌های احزاب است. دانشگاه‌ها می‌توانند و باید در گفتمان‌سازی، مقابله با استبداد و دفاع از آزادی به ایفای نقش بپردازند. به باور من، اقدام فوق (تهیه دو منشور مطالبات صنفی و ملی) دارای دستاوردهای گوناگونی خواهد بود، از جمله:

۱. تلاش برای تدوین مطالبات صنفی و ملی، می‌تواند مشارکت اجتماعی و سیاسی بسیاری از دانشجویان، استادان و کارکنان دانشگاه را با هزینه اندک فراهم کند. این شیوه نقطه مقابل راهبرد اقتدارگرایی است که قصد دارند با نظامی-امنیتی کردن فضای دانشگاه و جامعه، هزینه فعالیت سیاسی را بالا ببرند تا مشارکت سیاسی دانشجویان کاهش یابد و مردم منفعل شوند. آن‌ها نمی‌توانند تلاش برای تدوین دو منشور فوق را اقدامی «برانداز»، «ساختارشکن»، «صلولایت ققیه»، «افراطی»، «عبور از نظام» و... بخوانند و

هزینه سنگینی به تهیه‌کنندگان آن تحمیل کنند. ۲. با طرح پرسش درباره دانشگاه مطلوب از جریان‌های دانشجویی راست، بی‌تفاوت یا عبورکنندگان از نظام، می‌توان فضای گفت‌وگو را در دانشگاه‌ها توسعه داد و همکاری‌های گروهی و جمعی را در دانشجویان، استادان و کارکنان تقویت کرد. به سخن دیگر، این اقدام روحیه و کار گروهی و جمعی را در دانشجویان تقویت می‌کند و به آنان می‌آموزد که می‌توانند با در کنار هم بودن، موجی ایجاد کنند که در کوتاه‌مدت، به تقویت نهادهای مدنی بینجامد و در نهایت به استقرار دموکراسی در ایران کمک کند.

گذشته از آن تدوین مطالبات صنفی و ملی، گام بزرگی به سوی فرهنگ‌سازی و جامعه‌پذیری دانشگاهیان، بویژه دانشجویان خواهد بود.

۳. تدوین منشور مطالبات صنفی و ملی توسط دانشگاهیان، قشرها، بخش‌ها و جنبش‌های دیگر را تشویق می‌کند اقدام مشابهی انجام دهند. به عنوان مثال، زنان به تدوین مطالبات ویژه خود در بخش‌هایی همچون خانواده، اشتغال، قوانین، مدیریت کشور، فرهنگ آموزش و پرورش، هنر و... بپردازند و خواستار تحقق آن‌ها توسط همه از جمله احزاب شوند. هم‌زمان درباره موضوعات و مطالبات ملی سابق‌الذکر بحث کنند تا دفاع از حقوق و آزادی‌های برشمرده شده به مانیفیست همه قشرها و صنف‌ها تبدیل شود. به این ترتیب دانشجویان علاوه بر نقش پیش‌سازی در حرکت به سوی دموکراسی، می‌توانند با قشرهای دیگر جامعه ارتباط برقرار کنند و از لاک انزوا خارج شوند.

مهم نیست که طرفداران این منشور در یک انتخابات خاص، نامزدی ویژه یا احتمال پیروزی داشته باشند، مهم آن است که نفس این حرکت (تدوین مطالبات صنفی و ملی) گام موثری در

جهت ایجاد اجماع در جامعه مدنی برای استقرار دموکراسی همه‌جانبه است.

۴. تهیه دو منشور فوق، دولت را در ایران برنامه‌محور و معتقد به موازین دموکراتیک خواهد کرد، چرا که ناگزیر است تکلیف خود را با دو دسته مطالبات صنفی یا بخشی (دانشجویی، زنان، اقوام، محیط‌زیست، حقوق بشر و...) و نیز مطالبات ملی مشخص کند. احزاب نیز برنامه‌ریز، پاسخگو و آینده‌نگر خواهند شد. تلاش دانشجویان برای ایجاد یگ‌گفت‌مان فراگیر می‌تواند ضعف کنونی نهادهای مدنی را تا حدی جبران و قدرت را پاسخگو کند.

۵. تدوین دو منشور مطالبات دانشجویی، زنان، اقوام، محیط‌زیست، حقوق بشر و... و مطالبات ملی، می‌تواند بسیاری از نزاع‌های قدیمی و بی‌حاصل همچون سکولاریسم/حکومت دینی، دموکراسی دینی/دموکراسی عرفی، سنت/مدرنیته و روشنفکری دینی/روشنفکری عرفی را کهرنگ و چالش دموکراسی/استبداد را پررنگ کند. این اقدام در مرحله اول، دانشگاه و دانشگاهیان و در مراحل بعدی، نهادها و دیگر قشرهای اجتماعی را از مکاتب ضد حقوق بشر مانند استالینیسم، شوونیسم، فاشیسم، سکتاریسم و طالبانیسم که همگی ماهیت استبدادی دارند مصون خواهد کرد و چالش اصلی را به مدیریت باز و بسته کشور و حقوق انسان‌ها سوق خواهد داد. روشن است که هم اقتدارگراها، هم استالینیست‌ها و هم سکتاریست‌ها با تدوین این منشور ملی مخالفت خواهند کرد همچنان که ملی‌گرایان افراطی طرفدار یکسان‌سازی زبانی و فرهنگی نیز روی خوشی به آن نشان نخواهند داد. اما باید توجه کرد که هر چهار جریان فوق‌الذکر در جامعه در اقلیت‌اند و اکثریت قریب به اتفاق شهروندان از دو منشور مذکور استقبال خواهند کرد.

تلاش برای تدوین مطالبات صنفی و ملی، می‌تواند مشارکت اجتماعی و سیاسی بسیاری از دانشجویان، استادان و کارکنان دانشگاه را با هزینه اندک فراهم کند

پانوش

۱. این سوالات کم و بیش در مورد دانشگاه‌های غیر دولتی نیز مطرح است و پاسخ‌هایی مناسب و کارشناسانه می‌طلبد.